

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه‌ی بررسی نکات مهم در فرازهای آیه 74 سوره نساء؛

بحث ما در جهاد ابتدایی است و آیاتی که در قرآن کریم دلالت بر مشروعیت و بلکه وجوب جهاد ابتدایی دارد، لذا همانطور که در جلسه قبل بیان شد در این زمینه باید آیات سوره مبارکه نساء از آیه 71 تا 76 مورد توجه قرار بگیرد؛ یک بحث در آیه‌ی 74 فرمود: (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) که دو نکته در مورد این آیه ذکر شد که عبارتند از:

«نکته‌ی اول»:

فراز (فَلْيُقَاتِلْ) امر است و دلالت بر وجوب مقاتله در راه خدا دارد. در نتیجه این آیه نیز، از جمله آیاتی است که به خوبی بر وجوب جهاد ابتدایی دلالت دارد.

«نکته‌ی دوم»:

در بحث گذشته عرض کردیم ما می‌توانیم ادعا کنیم اصلاً عنوان «جهاد فی سبیل الله» خودش یک علم‌ی برای جهاد ابتدایی است، جهاد دفاعی اگر چه ماهیت، نتیجه و ثوابش مشترک با جهاد ابتدایی است، اما عنوان «جهاد فی سبیل الله» یک عنوانی است که برای جهاد ابتدایی علم است.

بررسی سه نکته‌ی مهم دیگر در آیه 74 نساء؛

به هر جهت، درباره این آیه (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) سه نکته دیگر وجود دارد:

«نکته‌ی سوم»:

فراز «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قرینه‌ی دوم بر وجوب جهاد ابتدایی است؛ این آیه هم، قرینه دوم است برای اینکه این وجوب قتال، جهاد ابتدایی است، چه اینکه در جهاد دفاعی، هر انسانی بلا درنگ از خود، خانواده، اموال و زمین خویش دفاع می‌کند، یعنی برای دنیایش از خود دفاع می‌کند؛ اما این آیه می‌فرماید جهاد ابتدایی را

کسانی انجام می‌دهند و باید کسانی انجام بدهند که **(يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا)** هستند؛ البته کلمه‌ی شراء از الفاظ اضداد است، لذا هم به معنای بیع می‌آید و هم به معنای اشترا می‌آید. در نتیجه در این زمینه دو احتمال است که عبارتند از:

احتمال اول از منظر غالب مفسرین:

یشرون به معنای فروش است لذا «الذین» همان مومنین هستند؛ اگر به معنای بیع بیان کنیم یعنی **(يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ)** آنهایی که حیات دنیا را در مقابل آخرت می‌فروشند، یعنی از دنیا می‌گذرند برای اینکه به آخرت برسند. این **(الَّذِينَ يَشْرُونَ)** که غالب مفسرین همین احتمال را دادند، آن وقت اگر این چنین بشود، خود **(الَّذِينَ)** عنوان مؤمنین را پیدا می‌کند، یعنی مصداق **(الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ)** می‌شود «مؤمنین» و با بعد از آیه هم، سازگار است،

احتمال دوم:

یشرون به معنای خرید است؛ بعضی‌ها احتمال دادند که یشرون به معنای اشترا است، اشترا اگر شد آن وقت این **(الَّذِينَ)** موصولی است که بر منافقین تطبیق پیدا می‌کند، چون در آیات قبل این بود که **(وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ)** که گفتیم مشهور مفسرین می‌گویند مراد از افرادی که بطئی و کندی و سستی دارند منافقین هستند.

مناقشه بر نظریه‌ی مشهور از منظر مختار:

ولی به نظر مختار، قول مرحوم علامه(ره) قابل قبول است و در جواب مشهور عرض کردیم که:

اولاً:

نظر مشهور مبتنی بر حمل فاقد قرینه‌ی فراز «ان منکم» در آیات قبل، بر منافقین است؛

اصلاً این آیات، قرینه‌ای بر منافقین ندارد؛ چه اینکه در میان مؤمنین یک عده هستند که جهاد ابتدایی نمی‌کنند، چون جهاد یک امر خیلی سنگین و مشقت‌داری است. حالا آنهایی که می‌گویند آیات قبل اشاره به منافقین دارد، اینجا این‌طور می‌گویند که **(يَشْرُونَ)** به معنای اشترا آمده است، نه به معنای بیع؛ زیرا منافقین کسانی هستند که آخرت را می‌دهند و دنیا را می‌خرند؛ از این رو، **(الَّذِينَ)** منطبق بر منافقین می‌شود، یعنی خدا می‌فرماید: این منافقین هم باید به سراغ جنگ بروند! این اولاً که عرض کردم مبتنی بر این است که ما در آیات قبل، فراز **(وَإِنَّ مِنْكُمْ)** را بر منافقین حمل کنیم، که گفتیم قرینه‌ای بر این مطلب نداریم.

ثانیاً:

نظر مشهور با قبل و بعد آیه تناسب ندارد؛

در فراز **(فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)**، خداوند متعال می‌داند که اینها این کار را انجام نمی‌دهند، شبیه همان بحثی که در اصول می‌شود، که آنجایی که امر یا ناهی می‌داند که مأمور این امر را نمی‌پذیرد؛ چه آنجایی که ناهی و امر می‌داند که مأمور و مخاطب امتثال ندارد و ناهی را نمی‌پذیرد، در اینجا بسیاری از اصولیین می‌گویند: این امر و نهی لغو است؛ بدین رو در اینجا نیز، نمی‌توان

گفت که خداوند می‌خواهد به منافقین بفرماید: شما هم باید بروید سراغ جنگ، شما هم که آخرت را می‌دهید و دنیا را می‌گیرید بروید سراغ جنگ، خیر چنین تحلیلی اصلاً با آیه تناسبی ندارد، یعنی نه با قبل و نه با بعد آیه تناسبی ندارد، لذا (بَشُرُونَ) به معنای «بییعون» است.

«نکته‌ی چهارم»:

تبیین یک شبهه

ه مهم در مقام؛

نکته و شبهه‌ای که در این فراز آیه ممکن است کسی سؤال کند که آیا نمی‌شود از آیه فهمید جهاد ابتدایی برای نوع مؤمنین واجب نیست؟ برای گروه خاصی از مؤمنین واجب است، چه کسانی؟ آنهایی که دل به دنیا نیستند، مؤمنینی که حاضرند دنیا را بدهند و آخرت را بگیرند. آیا این (الَّذِينَ يَشُرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) قرینه نمی‌شود بر اینکه برای گروه خاصی از مؤمنین مقاتله واجب است؟

جواب شبهه:

فراز «الَّذِينَ يَشُرُونَ» عنوان مشیر برای مومن واقعی است؛

پاسخ این است که این آیه شبیه همان آیه‌ی 190 سوره بقره است که می‌فرماید: (قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) با آنهایی که با شما جنگ می‌کنند قتال کنید، ما گفتیم یکی از آیاتی که دلالت بر جهاد ابتدایی دارد همین آیه است، آنجا عده‌ای گفتند این (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) قرینه است بر اینکه این آیه مربوط به جهاد دفاعی است. ما آنجا عرض کردیم در (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) سه احتمال وجود دارد و احتمالاتش را بررسی کردیم و احتمالی که با قرائن رجحان دادیم این است که این (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) عنوان مشیر است، یعنی کافر ولو در خانه‌اش نشسته، ولو اسلحه بر نداشته تا با مسلمان‌ها بجنگد، اما بالاخره جزء گروه کفار است و این از لطایف قرآنی است که قرآن نمی‌فرماید اگر نشستی در خانه یا شهرت و یهودی‌ها یا کفار آمدند و حمله کردند شما (قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) کنید؛ ولی اگر هم آنها حمله نکردند و کاری با شما نداشتند، شما هم حق مقاتله ندارید.

عرض کردیم بعضی از کسانی که جهاد ابتدایی را انکار می‌کنند بیشتر روی همین (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) تکیه کردند، حالا مراجعه کنید به آن بحث‌ها، ما آنجا با قرائنی اثبات کردیم که این (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) عنوان مشیر برای کفار است؛ یعنی «و قاتلوا فی سبیل الله الکفار»، در راه خدا، با کفار و مشرکین مقاتله کنید، «لاجل کفرهم و لاجل شرکهم»، منتها ماهیت و حقیقت و آن عنوان بارز کفار چیست؟ کفار همیشه در صدد مقاتله با مسلمین هستند، این عنوان را به عنوان مشیر آورده، اینجا هم باز نظیر آن است که می‌فرماید (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشُرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) عنوان مشیر به این مطلب است، یعنی مؤمن واقعی آن عنوان مشیرش کسی است که حیات دنیا را در مقابل آخرت می‌فروشد. نه اینکه آیه بخواهد بفرماید در میان مؤمنین یک گروهشان، که دلبستگی به دنیا ندارند، آنهایی که عُلقه‌ای که به دنیا ندارند و دنیا را در مقابل آخرت می‌فروشند، اینها برایشان جهاد ابتدایی واجب است، نه! پس این هم نظیر آیه‌ی 190 سوره‌ی بقره است. در نتیجه آیه (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشُرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) عنوان مشیر به حقیقت مؤمن و مسلم است، حقیقت یک انسان مسلمان چیست؟ این است که (يَشُرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) پس این قید احترازی نیست که بگوییم از یک گروه دیگر احتراز می‌کند.

یادآوری سه مطلب مهم از مباحث پیشین؛

در مباحث قبل نکات مهمی پیرامون جهاد ابتدایی نقل شد و لازم است مجدداً در اینجا تذکر داده شود. این نکات عبارتند از:

مطلب اول:

یکی از غایات جهاد ابتدایی، رفع شرک و محو مشرک است؛

یکی از غایات خدای تبارک و تعالی این است که کفر و فتنه نباشد، البته «فتنه» یعنی شرک. چه اینکه ما در مباحث قبل، از خود قرآن شواهدی آوردیم که منظور از فتنه در فراز [\(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ\)](#) بقره 193، شرک است، یعنی غایت جهاد ابتدایی این است که شرک نباید باشد، چون ماهیت شرک، علاوه بر اینکه مخالف با توحید است، یک لازم همیشگی دارد و آن این است که دنبال مبارزه با موحدان هستند، دنبال از بین بردن موحدان هستند، الآن در زمان خود ما، جنگ بر سر چیست؟ روشن است که تمامی این جنگ‌ها فقط برای این است که اعتقادات صحیح نباید روی زمین باشد، تا هر کسی هر ظلمی کرد، کسی به او کاری نداشته باشد. ریشه‌اش به این مطلب برمی‌گردد.

مطلب دوم:

اذن در جهاد دفاعی و ابتدایی، در سال دوم هجری صادر شد؛

نکته‌ی دیگری که در مباحث قبل مطرح شد این بود که تا زمانی که رسول خدا(ص) در مکه بودند، مجاز به جهاد نبودند حتی جهاد دفاعی. این نکته در ذهن شریفتان باشد، اینهایی که راجع به جهاد به اسلام اشکال می‌کنند، ما می‌گوییم اسلام از اولین روزی که آمد شمشیر نیاورد! از اولین روزی که آمد مسئله جنگ و جهاد را نیاورد، اسلام بعد از اینکه آمد، 13 سال پیامبر(ص) در مکه بود، هر چه مشرکین و کفار، مسلمان‌ها را شکنجه می‌کردند و می‌کشتند و می‌آمدند به رسول خدا(ص) می‌گفتند ما با اینها مقابله کنیم، پیغمبر(ص) می‌فرمود «انی لم أؤمر بالقتال» تا حالا مجاز به قتال نشدم؛ این وضع ادامه داشت تا وقتی که مسلمین به مدینه آمدند و لذا در سال دوم هجرت، مسئله‌ی قتال نازل شد. پس از اول قتال نبوده است.

مطلب سوم:

تشریع جهاد ابتدایی، سیاست مقابله‌ای اسلام، در برابر نظام کفر و شرک است؛

نکته دیگر اینکه سیاست کفار این شد که گفتند اینهایی که رفتند مسلمان شدند را می‌گیریم می‌گوییم یا به کفر برگردید و از پیامبر(ص) تبری بجوید! و یا شما را می‌کشیم، سیاست آنها که این شد، اسلام آمد همان سیاست را علیه خودشان قرار داد و گفت حالا که توحید بر حق است ما می‌آییم سراغ شما، یا بیاید به سوی اسلام و مسلمان شوید و به این کتاب و این منطق و این دلیل گردن نهید و یا اگر بخواهید لجاجت کنید، باید کشته شوید. بنابراین بحث جهاد را باید خیلی با ظرافت و دقت مطرح نمود که اگر چنین مطرح شود، واقعاً بسیاری از اشکالات احتمالی مرتفع می‌شود. ما می‌گوییم اسلام جهاد را برای اهداف توحیدی تشریع کرد، ولی همین اسلام مثلاً علیه اهل ذمه، جهاد ابتدایی را تشریع نفرموده است؛ زیرا طبق منطق اسلام، اهل ذمه یا باید بیایند مسلمان شوند و یا مسلمان اگر نشدند و بر مسیحیت و یهودیت خود باقی ماندند، فقط باید جزیه بدهند؛ اما همین اسلام، کافر و مشرک را تحمل نمی‌کند و می‌گوید شما یا باید از شرک خود دست بردارید و یا باید کشته شوید؛ از این رو، در قرآن شرک را تعبیر به «فتنه» می‌کند، لذا در بحث جهاد از آیه [\(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ\)](#) بقره 190 استفاده کردیم که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد بفرماید: کافر و مشرک ماهیتش ماهیت قتالی با مسلمان‌هاست که عرض کردم من آنجا

قرائنی بر این معنا آوردیم و این معنا را اختیار کردیم.

«ادامه نکته‌ی چهارم»:

فراز «الَّذِينَ يَشْرُونَ» عنوان مشیر است به مومنین حقیقی؛

حالا در این آیه شریفه (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) ما باشیم و ظاهر آیه، به نظر بعضی، ظاهر آیه می‌فرماید: آنهایی که قتال بر آنها واجب است چه کسانی هستند؟ (الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) آنهایی که دنیا را فروختند و از دنیا چشم پوشیدند و دنبال آخرت هستند. پس بگوئیم برای یک گروهی از مؤمنین جهاد واجب است! جواب دادیم که نه، این (الَّذِينَ يَشْرُونَ) هم عنوان مشیر به حقیقت ایمان است، بر همه مؤمنین جهاد واجب است، چه عادلشان و چه فاسقشان، جهاد ابتدایی بر همه واجب است چه عادل و چه فاسق. اما این عنوان مشیر به حقیقت ایمان است.

«نکته‌ی پنجم»:

بررسی یک سؤال و جواب پیرامون فراز «أَجْرًا عَظِيمًا» □

خداوند در ادامه آیه می‌فرماید: (وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) حالا اگر کسی هم رفت جهاد ابتدایی انجام داد و «قتال فی سبیل الله» کرد (فَيُقْتَلْ) شهید شد یا پیروز شد (فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) ما یک اجر خیلی عظیم به او خواهیم داد. البته اجر عظیمی که در قرآن می‌آید یعنی چیزی که حساب و اندازه‌ای ندارد، آری خدا می‌فرماید: به جهادگر در جهاد ابتدایی یک اجر عظیم می‌دهیم. اینجا یکی از سؤالاتی که ممکن است مطرح شود این است که:

سؤال:

خدا چرا فقط برای پیروزی و شهادت، اجر عظیم قرار داده است؟
در این آیه شریفه، چهار فرض متصور است که عبارتند از:

فرض اول:

جهادگر در میدان جهاد شهید شود؛

فرض دوم:

جهادگر در میدان جهاد کشته نشده و پیروز شود؛

فرض سوم:

جهادگر در میدان جهاد اسیر شود؛

فرض چهارم:

جهادگر از میدان جهاد عقب نشینی کند و پیروز نشود.

لذا وقتی خداوند می‌فرماید (أَجْرًا عَظِيمًا) در حالی که قبلش می‌فرماید: (وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ) متبادر به ذهن می‌آید که خدا دو فرض از چهار فرض فوق را اجر عظیم می‌دهد چه اینکه فرض سومش این است که جهادگر کشته نشود، بلکه اسیر کفار و مشرکین شود و فرض چهارم این است که از میدان جنگ عقب نشینی و فرار کند، زیرا گاهی اوقات پیش می‌آمده که مسلمان‌ها باید عقب‌نشینی می‌کردند و کشته نیز، نمی‌شدند لکن غلبه هم پیدا نمی‌کردند! حال سؤال این است که چرا خداوند متعال این دو فرض دیگر را ذکر نمی‌کند؟ و فقط دو فرض از چهار فرض را ذکر کرده که (فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ)؟ آیا این (فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) فقط مربوط به این دو فرض است که اگر پیروز شدند یا شهید شدند خداوند به ایشان اجر عظیم می‌دهد. اما اینکه مومنین روزها و ماه‌ها رفتند در بعضی جنگ‌ها جنگیدند ولی نه دشمن پیروز شد و نه اینها پیروز شدند و برگشتند، آیا در دو مورد دیگر اینجا اجر عظیم ندارد؟ آیا فراز (فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ) می‌خواهد از دو فرض دیگر اجتناب کند؟ یا اینکه نه، آیه نمی‌خواهد بگوید (فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ) یکی از این دو تا حتماً باید باشد.

جواب:

در این زمینه دو جواب می‌توان به این سؤال داد:

پاسخ اول:

این است که خداوند متعال می‌خواهد شبهه ذهنی دیگران را جواب بدهد؛ یعنی خدای تبارک و تعالی می‌خواهد بیشتر روی این جهت تکیه کند که اگر جهادگری کشته شد، کسی فکر نکند که خورش هدر است، چون منافقین و آنهایی که بودند می‌گفتند اینها خون‌شان از بین رفت؛ پس ذکر این دو فرض، احتراز از فروض دیگر نیست که اگر عقب‌نشینی کردند یا اسیر شدند اینها اجر ندارند، بلکه آنچه در ذهن دیگران بوده که اگر کشته شوند اینها خورشان هدر رفته، عمرشان تمام شده بدون اینکه از دنیایشان استفاده کنند می‌فرماید: (فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)

پاسخ دوم:

ذکر این دو فرض در کلام الهی، به عنوان جنبه‌ی غالبی است، زیرا در «جهاد فی سبیل الله» غالباً جهادگران یا کشته می‌شوند لذا دشمن به حسب ظاهر، پیروز می‌شود و یا مسلمین پیروز می‌شوند.

جلسه‌ی آتی بررسی نکات مهم آیه 75 نساء؛

خداوند متعال در آیه بعد می‌فرماید: (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) که باید بررسی شود و نکات خیلی خوبی در آن هست؛ چه اینکه خدا توبیخ می‌کند که چرا مقاتله‌ی «فی سبیل الله» نمی‌کنید؟ که این هم نکاتی دارد؛ از جمله اینکه اساساً در بحث جهاد دفاعی، عقل می‌گوید راه منحصر به دفاع است، و همه باید دفاع کنند، اما بحث در این آیه پیرامون توبیخ کسانی است که در جهاد کوتاهی می‌کردند و روشن است که این توبیخ، مربوط به جهاد ابتدایی است نه دفاعی. که توضیحش را جلسه بعد عرض می‌کنیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ